

پرتوامر ونهی آیات قرآنی و احادیث نبوی
در دیوان حکیم سنایی غزنوی
دکتر ماه نظری^۱



چکیده

اشعار سنایی، پر از نکات ظریف و اشارات لطیف اخلاقی، فلسفی، دینی، کلامی، عرفانی، اجتماعی و اوامر و منکرات است. در تمام این موارد به عظمت روح انسانی که هدف کل آفرینش است اشارات مکرر دارد و هم چون دگر مصلحان جهان، به پیروی از سنت راستین احمد مرسل، امر به معروف ونهی از منکر می‌کند تا آن نفس ناطقه‌ی؛ محبوس و مهجور شده را، با کمند ریاضت و از طریق امر و نهی، چنان پروراند که تحت بندگی هیچ چیز و هیچ کس قرار نگیرد. به همین دلیل، شعر را جولانگاه این اندیشه‌ها می‌داند. سنایی با رستخیز کلام، انسان در خود گم گشته را، ارشاد می‌کند و به گونه‌ای دلنشین و جذاب، شوق او را بر می‌انگیزد تا دستورالعمل‌هایی را که در آیات آسمانی قرآن و احادیث، برای رستگاری و نیل به کمالجویی اوست چون موم و شهد در هم آمیزد و همچون نیشتر، عقده‌های درونیش را بشکافد و مرهم نهد. در این مقاله امر به معروف و نهی از منکر را با ذکر آیاتی و احادیثی چند و با تطبیق اشعاری از حکیم سنایی، ذکر نموده‌ایم و میزان تأثیرپذیری سنایی را از آیات قرآن کریم در جدولی با ذکر درصد بهره‌گیری وی نشان داده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: قرآن و حدیث، امر به معروف، نهی از منکر، عرفان، سنایی.

گرفت و خلیفه الله گردید. به همین منظور طالب حق، گامی برتر می نهد و افق نظرش گسترش می یابد و خوشی های فریبنده ی زود گذر دنیایی در نظرش حقیر و مختصر جلوه می کند و از مشاهدات غیبی و ادراکات قلبی، جان و حیاتی تازه می یابد و به لذتی پایدار می رسد که با رنج روح و ضعف تن و انحطاط همت همراه نیست و تمام شادکامی ها و شادخواری های جهان مادی در برابر خشنودی حق تعالی را، به برگ کاهی نمی انگارد. تمام این مفاهیم عالی و مقاصد والا که تحت تأثیر کتاب وحی و احادیث قدسی و روایت معصومین می باشد، در آثار و اقوال بزرگانی چون حکیم سنایی غزنوی، مولانا، ابن عربی، شیخ نجم الدین رازی و ... زینت بخش زبان و ادبیات فارسی است. که به حکم رسالت دینی که دارند زبان به ذکر فضایل و فواید این دو فریضه ی مهم گشوده اند. شعر یکی از ابزار بیان دیدگاه ها و نظریات حکیم سنایی بوده و به نحو خاصی نقش خود را در قبال دین، اصول و فروع آن ایفا کرده است و در این زمینه اشعاری سروده و با مدد صور خیال، جامعه ی انسانی را بدان ترغیب کرده است.

سنایی با مدد شعر، چون ناقوسی است که آهنگ آفرینش را طنین انداز جان و دل مشتاقان می سازد تا با مقراض لا، ترک الا الله کنند و جز خدا نبینند و جز کلام حق نشنوند و جز رضای او نجویند تا لایق ارجعی الی ربک گردند والا، مفری در آخرت نمی یابند چنان که حکیم سنایی با تلمیح به «سوره القیامه / ۱۰» می فرماید:

لاجرم کار قدم هاشان ودم هاشان کنون شاهراه دوزخست و نعره ی این المفر (سنایی، ۱۳۶۲، ص ۲۶۳)

امر: «به معنای فرمان و دستوری باشد.» (قریشی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص: ۱۰۹)

نهی: به معنی باز داشتن و منع کردن از چیزی است. در قاموس ذکر شده است که: زَجَرَ وَمَنْعَ «نهاهُ عَنْهُ: زَجَرَهُ عَنْهُ وَمَنْعَهُ عَنْهُ.» (المصری، لسان العرب، ۱۴۰۸، ج ۱، ص: ۲۰۳)

معروف و منکر: گر چه معروف از عرف به معنی شناخته شده و منکر به معنی ناشناخته است ولی در معنی آن حسن و قبح نخواستاده، ولی در اصطلاح معروف به چیزی گفته می‌شود که حسنش از نظر شرع و عقل محرز شناخته شده است و منکر نیز چیزی است که قبحش از نظر شرع و یا عقل معلوم و روشن است.

(قربانی لاهیجی، ۱۳۷۹، ص: ۳۶-۳۴) در مجمع البیان آمده است که: «معروف حق و منکر باطل است. زیرا حق، صحتش شناخته شده و باطل ممکن است که صحتش شناخته شود». (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۱، ص ۲۲۲) راغب الاصفهانی می‌گوید: «المعروف اسمٌ لِكُلِّ فِعْلٍ يُعْرَفُ بِالْعَقْلِ وَالشَّرْعِ حُسْنُهُ وَالْمَنْكِرُ مَا يُنْكَرُ بِهِمَا». (الراغب الاصفهانی، ۱۳۶۲، ص: ۳۳۱) شیخ طوسی امر به معروف را به دو قسم واجب و مستحب تقسیم کرده است و نهی از منکر را کلاً واجب می‌داند زیرا هر چیز منکری قبیح است. (الطوسی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۵)

تا زباطل بنگذری حق نیست که ازین نیمه حق مطلق نیست (سنایی، ۱۳۸۳، ص ۸۹)

امر به معروف ونهی از منکر دو مرحله دارد:

- **مرحله فردی:** که هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد.
- **مرحله جمعی:** که امتی موظفند برای پایان دادن به نابسامانی‌های اجتماع دست به دست هم دهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند و شعاع قدرت آن وسیع و طبعاً از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۶، صص: ۳۶-۳۵) در قرآن و روایات، مصداق‌های امر به معروف، ذکر شده است، مانند: ایمان، تلاوت قرآن، تفکر، توکل بر خدا، صبر، پرهیزکاری، پیروی از خدا و پیامبر، انفاق، فرو بردن خشم، عفو و بخشش، احسان، توبه، جهاد و شهادت در راه خدا، عدالت، خوش اخلاقی، مشورت، آموزش قرآن و دانش، ذکر خدا، نماز، روزه، حج، بیان حق، امانتداری، تولی

و تبری، وفای به عهد، عفت، شجاعت، سخاوت، یاری دین، خشنودی به رضای خدا، صله رحم، نیکی به پدر و مادر، تدبیر در قرآن، اخلاص، یاد مرگ و معاد و غیره.

مصدق‌های منکر نیز بسیار است مانند: کفر، قتل نفس، گناه، ظلم و ستم، عهد شکنی، جهل و نادانی، ضعف اراده، کتمان حق، بدعت گذاری، حسد و تکبر، حرص، تبه‌کاری، تهمت و بهتان، دروغ‌گویی، خیانت، غیبت، بی‌احترامی به پدر و مادر، بی‌توجهی به قرآن و... در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، به شیوه عملی باید از طریق تبلیغ و با رعایت احترام به شخصیت افراد و با ارشاد تدریجی توأم با ملایمت و اغراء و تشویق و معرفی ارزش‌ها، تکرار و تلقین، با تمسک به هنر، شعر، طنز، حکمت، موعظه، جدال نیکو، ایجاد امیدواری، تحریک عاطفه، معرفی الگوهای اسوه و ایجاد فضای امر و نهی می‌توان به این دو فریضه‌ی مهم دست یافت تا این جریان پایدار بماند و نتایج ارزشمند آن باعث حفظ اسلام و احکام دین، تقویت اهل ایمان در جامعه، عزت مؤمنان، آبادانی جهان، ایجاد امنیت، تضعیف کفار، خیر و نیکی و مشارکت در امر خیرخواهانه شود و مایه‌ی رستگاری در دنیا و آخرت گردد. به همین دلایل شاعران متعهد، در مورد فضیلت امر به معروف و نهی از منکر رسالت خویش را ایفا نموده‌اند و سعی دارند که ما را به اهمیت این فرایض آگاه سازند. در وجوب این دو اصل و همترازی وجوب آن با نماز، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یا بُنَّیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلٰی مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ». (لقمان / ۱۷) زیرا نماز، خود، عامل انجام اعمال نیک و بر حذر دارنده از منکرات است. چنان که پیامبر اسلام (ص)، همیشه اهل بیت خویش راه به ادای نماز و زکات امر می‌کرد... (سوره مریم / ۵۵) و از همان آغاز رسالت خویش به اصلاح جامعه پرداختند. بعد از دعوت به توحید و خداشناسی، مردم را از رذایل اخلاقی نهی فرمود و به ارزش‌های فطری و انسانی که در سرشتشان به ودیعه نهاده شده است متوجه

می‌ساختند و فرمودند: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ كِفَاعِلِهِ» (رسول اعظم، ۱۳۸۵، صص: ۸۰-۷۹) به اعتقاد، رسول اکرم، صیانت نفس اولین گام در خودسازی است که می‌فرمایند: «الْخَيْرُ كُلُّهُ صِيَانَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ» (شُعْبَطُ الْحِرَّانِي، ۱۳۷۳، ص: ۲۸۵) زیرا حادثه‌ی بدی که در جامعه رخ دهد بر همه‌ی مردم آن جامعه اثر می‌گذارد. هر گناه فردی پیامدهایی دارد که همه‌ی افراد جامعه را در بر خواهد گرفت، زیرا تظاهر به گناه هم چون عمل کسی که در کشتی است و می‌خواهد در کابین خود سوراخی ایجاد کند که اگر از آن جلوگیری نشود سرانجام جان دیگران را نیز به خطر خواهد انداخت. اگر اولین ستمگر مکافات شود بعد از اجرای عدالت، دیگر رهبرِ ستمگری پیدا نخواهد شد که مردم از او پیروی کنند... و هر که بتواند ستمگری را سرزنش کند و نکند چنان است که خود ظلم کرده باشد. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص: ۳۵۹) دیانت اسلام، به دنبال تأسیس جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها خواه فردی و خواه گروهی، دستور دهنده به امر کننده به معروف و باز دارنده‌ی از منکر باشند که این روش باعث تغییرات مطلوبی در شخصیت افراد می‌شود و آنان را وامی‌دارد تا ارزش‌های معنوی را ارج نهند که پویایی اسلام مرهون امر به معروف و نهی از منکر است. (بوازار، ۱۳۸۵، صص: ۸۱-۸۰).

به همین دلیل افراد خود را باید تغییر دهند و در اعمال و رفتار خویش تجدید نظر کنند و رابطه‌ی مستقیمی بین اصلاح فرد و جامعه وجود دارد که خداوند در کلام وحی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرَ وَاَمَّا بِأَنْفُسِهِمْ». (الرعد / ۱۳) امر به معروف و نهی از منکر باعث احیاء جامعه می‌شود که مولای متقیان این فریضه را برتر از جهاد می‌داند زیرا معتقدند که جهاد واقعه‌ای است که گاهی پیش می‌آید ولی امر به معروف و نهی از منکر همواره در جامعه تأثیر گذارتر است. (حضرت علی، ۱۳۷۴، صص: ۱۲۶۴-۱۲۶۳)

انسان آگاه و مؤمن را گریزی از امر و نهی نیست که رسول خدا می‌فرماید: ای علی

« يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً... » (التحریم / اورک: البقره/ ۱۹۹)

تو خود از خویش کی رسی به خدای که ترا خود ز خود جدایی نیست
چون به جایی رسی که جز تو شوی بعد از آن جــــــــــــز خدایی نیست
(سنایی، ۱۳۶۲: ۹۹)

« أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلاً » . (فرقان / ۴۳ / ورک جایه/ ۲۳)

شو بخوان التائبون العابدون الحامدون السابحون الراكعون الساجدون الامرون
(سنایی، ۱۳۶۲: ۵۳۶)

« إِنْ اللَّهُ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِإِنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ ... التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ
الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. » (توبه ۱۱۲-۱۱۱)

جایگه حور و حریرت باید اندر تارشب از دو چشم خویشان در ثمین باید نهاد
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۰۸)

« وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً. » (اسراء/ ۷۹)
سنایی، رفتار و خصوصیاتِ چون «درستکاری، صدق، تواضع، حلم و خرسندی،
صبر بر مصائب، کتمان سر و قناعت» را، (گرچه از اعمال فردی است ولی نتایج
اجتماعی را نیز در بر دارد) با لحنی خطابی توأم با امر ونهی، به همگان توصیه می کند.
راستکاری پیشه کن کاندرا مصاف رستخیز نیستند از خشم حق جز راست کاران رستگار
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۸۸)

تواز خاکی بسا خاک، تن در ده، درین پستی مگر گردی چو جان و عقل، هم والی وهم والا
(همان: ۵۴)

ایوب با چندین بلا، کاندرا بلا شد مبتلا پیوسته این بودش دعا الصبر مفتاح الفرج
(همان: ۸۳۶)

«قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.» (مائده/ ۱۱۹)
«... وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.» (آل عمران/ ۱۴۶). در رساله‌ی قشیریه آمده «مَنْ لَا صَبْرَ لَهُ لَا إِيْمَانَ لَهُ» (قشیری، ۱۳۶۱، ص ۸۵)

با قناعت صلح جوید محرم حرمت شود برگ بی برگی به فرق زهره و پروین کشد
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۳۸)

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَحْسُورًا.»
(اسراء/ ۲۹)

ملک دنیا مجوی و حکمت جوی زان که ایمن اندکست و آن بسیار
(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۰۴)

طلب علم: «طَلِبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ.» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۰)

نیکی و سخاوت کن و مشمر که چو ایزد پاداش ده و مفضل و نیکو شمری نیست
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۰۰)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ... إِذَا جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. (صافات / ۸۴-۸۰)

مادری کن مر یتیمان را بپرورشان به لطف خواجگی کن سایلان را طبعشان گردان وفا
(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۶)

«وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ.» (ضحی / ۱۰) و «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى. فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ.»
(ضحی / ۹ و ۶)

باد کبر از سر بنه در دل برافروز آتشی پس بر آن آتش بسوز آن آبگون در گاه را
(سنایی، ۱۳۶۲: ۳۳)

«وَلَا تُصَعَّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.» (لقمان/۱۸)

«(الافتخارُ من صغیرالقدر.) (تمیمی آمدی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۰)

حرص گوید چون نگر دی گرد خمر و زمر و قمر عقل گوید رو بخوان «قل فیهما اثم کبیر
(سنایی، ۱۳۶۲: ۷۲۹)

«يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أُكْبَرُ مِنَ نَفْعِهِا...» (بقره/۲۱۹)

طمع و حرص و بخل و شهوت و خشم حسد و کبر و حقد بد پیوند
هفت در دوزخ خند در تن تو ساخته نفسشان در ودر بند
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۵۳)

«وَإِنْ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ. لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ.»
(حجر/ ۴۴-۴۵)

حقیقت بت پرستیست آن که در خود هست پندارش برست از بت پرستی چون در پندار در بندد
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۱۰)

«أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا.» (فرقان/۴۳) و (رک: جائیه /۲۳)

تادرون جوهر صفرا همه کفر است و شیطانی گرت سودای دین باشد قدم بیرون نه از صفرا
به خشم و شهوتی بر منبر اندر کوی دین بر سرداری اگر چه سوی خود بر منبری
(سنایی، ۱۳۶۲: ۵۲ و ۶۶۲)

«...وَالكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.» (آل عمران)

« الخبيثات للخبيثين والخبيثون للخبيثات والطيبات للطيبين والطيبون للطيبات أولئك مبرئون مما يقولون لهم مغفرةً ورزقٌ كريمٌ. » (نور / ۲۶)

منع رذایل اخلاقی در جامعه

طمع و حرص و بخل و شهوت و خشم حسد و کبر و حقد بد پیوند
هفت در دوزخند در تو ساخته نفسشان درو در بند
(سنایی، ۱۶۲: ۱۵۳)

که یادآور این آیه مبارکه است که: « يقول الإنسان يومئذ أين المفرّ. (القيامة / ۱۰) »
« وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ. لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ. »
(حجر / ۴۵-۴۴)

بخل: «...البخل شجرة من أشجار النار أغصاتها متدلّيات في الدنيا فمن أخذ بغصنٍ منها قاده ذلك الغصن إلى النار» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵: ۱۰۸)

جاهلان را چاره نیست از نسبت و دروغ مارمهره جوی نادان نیست دراز زهرمار
(سنایی، ۱۳۶۲: ۲۱۹)

«..وإذا لم يهتدوا به فسيقولون هذا أفك قديم.» (الأحقاف/ ۱۱)
همچنین در غررالحکم آمده: «الناس أعداء ما جهلوا» و «الجهل أصل كل شرّ.»
(تمیمی آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳)

حبّه دزدان از ترازوها بر اطراف دکان طبع را در حبه دزدیدن مخیر کرده اند
(سنایی، ۱۳۶۲: ۱۵۰)

« وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ...أَلَا يُظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ...وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِينٌ. »
(المطففين/ ۸-۱)

حضرت علی (ع) فرمودند: «انّ الدّنيا والآخرة عدوّان متفاوتان وسیلان مختلفان فمن احبّ الدّنيا وتولّاهما ابغض الآخرة وعاداهما وهما بمنزلة المشرق والمغرب وماش بينهما کلّما قرب من واحد بعد من الآخر وهما بعد ضربتان.» (امیرالمؤمنین، ۱۳۷۴: ۲۸۶)

نتیجه

سنایی، در بیشتر اشعارش، نماینده‌ی برجسته‌ی اشعار اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی، عرفانی و زاهدانه است که به نقد اوضاع زمانه‌ی خود، پرداخته و با بی‌پروایی تمام، نابسامانی و از هم گسیختگی جامعه را در قالب امر و نهی به تصویر کشیده است. این حکیم فرزانه، رفتار و خصوصیاتِ چون «درستکاری، صدق، تواضع، حلم و خرسندی، صبر بر مصائب، کتمان سِر و قناعت و...» را، با لحنی خطابی توأم با امر، به همگان توصیه می‌کند. مبارزه با نفس اماره، طلب عفو و مغفرت از اعتقادات قلبی و موضوع‌های محوری دیوان اوست، که مردم را به سیر و سلوک روحانی فرا می‌خواند. اخلاص، پیروی از اهل تقوا، رهایی از خودپرستی، خواندن نماز، در بینش سنایی، هم چون دیگر بزرگان و عارفان از تکالیف فردی است که در بردارنده‌ی نتایج اجتماعی است. نهی از محرّمات، دوری از ریا، دروغ، بی‌توجهی به اقشار کم درآمد، تحت تأثیر لابه و یاوه خاص و عام قرار نگرفتن و... از دغدغه‌های فکری سنایی است که وی را می‌آزارد. دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر را، نه تنها غایت دین می‌داند بلکه در بینش او، اساس یک حکومت پایدار و مردمی است و حتی برتر و فراتر از جهاد است. همچون قرآن کریم، روایات و نهج البلاغه ترک امر به معروف و نهی از منکر را علت اصلی انحطاط امت‌ها به حساب می‌آورد زیرا معتقد است که با ترک این فرامین الهی، آثار زیانباری، جامعه را فرا خواهد گرفت. برای تحقق معروف و محو منکر، بستر سازی و التزام عملی را بسیار مهم و حیاتی تلقی می‌کنند. در نظر سنایی، عاجزترین

فرد، کسی است که از اصلاح نفس خود در مانده و ناتوان باشد. این گونه نظارت‌ها را همگانی قلمداد می‌کند و محدود به قشر خاصی نمی‌داند. ادبیات یکی از ابزار مهم، برای اشاعه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است و در این راستا باید شیوه‌ی عملی و تبلیغی را در پیش گرفت، توأم با احترام، رعایت شخصیت افراد، ارشاد، نرم‌خویی، معرفی ارزش‌ها، تکرار و تلقین، با بهره‌گیری از هنر، شعر، طنز، حکمت، موعظه، بزرگ‌نمایی الگوهای مثبت مؤفق و ایجاد فضای مناسب برای این فرامین الهی. زیرا هدف اصلی از امر به معروف و نهی از منکر، تحقق معروفات و از بین رفتن منکرات است. امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر باید، خود عامل معروف و اجتناب‌کننده از منکر باشد تا لاجرم آن چه از دل بر آید بر دل نشیند.

بسامد اثر پذیری قرآنی در دیوان حکیم سنایی

ردیف	اثر پذیری	تعداد	مجموع	درصد
۱	واژگانی	۲۳۰	۱۱۲۵	۱۸/۰۴
۲	اقتباس	۱۱۸	۱۱۲۵	۱۰/۸۴
۳	حل	۳۲	۱۱۲۵	۲/۴۸
۴	ترجمه	۲۰۲	۱۱۲۵	۱۷/۵۹
۵	تفسیر	۷۹	۱۱۲۵	۷/۰۲
۶	تلمیح	۱۴۷	۱۱۲۵	۱۳/۰۶
۷	تطبیقی	۹۷	۱۱۲۵	۸/۶۲
۸	تصویری	۱۰۹	۱۱۲۵	۹/۶۸
۹	درج	۷	۱۱۲۵	۰/۶۲
۱۰	چندسویه	۵۹	۱۱۲۵	۵/۲۴
۱۱	تأویلی	۶۷	۱۱۲۵	۵/۹۵
۱۲	تضمین	۵	۱۱۲۵	۰/۴۴

- تصحیح مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ششم .
- ۱۵- سیوطی، جمال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، (بی تا)، جامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، لبنان - بیروت، دارالفکر .
- ۱۶- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۵۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، با ترجمه دکتر محمد مفتاح، انتشارات فراهانی، چ اول .
- ۱۷- الطبرسی، میرزا حسین بن محمد تقی نوری، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، چاپ دوم. بی جا، انتشارات فراهانی، ۱۳۵۴ .
- ۱۸- الطوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ هـ)، الرسا ئل العشر، جامعه مدرسین قم .
- ۱۹- غزالی، ابو حامد محمد، (۱۳۵۱)، احیاء العلوم، ترجمه مؤید الدین و به اهتمام حسین خدیو جم تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۰- قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، (۱۹۷۳)، عیون الاخبار، مجلد الهیئت المصری العامة الكتاب.
- ۲۱- قربانی لاهیجی، (۱۳۷۹)، فریضه امر به معروف ونهی از منکر از دیدگاه قرآن وسنت، بی جا، نشر سایه .
- ۲۲- قریشی، سید علی اکبر، (۱۳۶۷)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب اسلامی، چ دهم .
- ۲۳- الكلینی الرازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۶۷)، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران، دارالکتب اسلامیة.
- ۲۴- الكاشانی، ملافتح الله، (۱۳۳۳) «تفسیر کبیر» منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، انتشارات چاپخانه محمد حسن علمی.
- ۲۵- گوهرین، (۱۳۸۰)، اصطلاحات عرفانی، تهران، نشر زوار، چ اول .
- ۲۶- المصری، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور، (۱۴۰۸ هـ.ق)، لسان العرب، بیروت، دارالصادر.
- ۲۷- (المصری)، عبدالباقی، محمد فؤاد، (۱۳۷۲)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم،

انتشارات اسلامی تهران، چ اول .

۲۸- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، ده گفتار، انتشارات صدرا، چ پنجم .

۲۹- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۵)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیه، تهران، چ بیست و چهارم .

۳۰- مولوی محمد بن محمد بن الحسین البلخی، (۱۳۷۶) مثنوی، به تصحیح رینولد الین نیکلسون، تهران، انتشارات بهزاد، چ نهم .

۳۱- ناصر خسرو، (۱۳۸۴) دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی، مهدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ششم .

۳۲- نجمی، محمد صادق، (۱۳۷۷)، سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، قم، انتشارات اسلامی چ ششم .

۳۳- هوازن قشیری، عبدالکریم، (۱۳۶۱)، ترجمه‌ی رساله قشیریّه، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تحقیق بدیع الزمان فروزانفر، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی .

۳۴- هجویری، علی، (۱۳۷۱)، کشف المحجوب، تصحیح ژوفسکی، مقدمه دکتر غنی، تهران، کتابخانه طهوری، چ دوم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی